

● دل آشوبی هرروزه

برادران محمد چند سال پیش به خاطر ارث با هم یقه به یقه شدند و برادر بزرگ «قاتل فراری» شد و برادر کوچک «مقتول». چارچوب زندگی کانکسی، آن چنان محمد را در تنگنا قرار داده که آرزو می کند ای کاش او به جای برادر مرحومش از دنیا رفته بود تا طعم این روزهای سخت را نچشد. محمد سال گذشته می گفت که چاره‌ای ندارد و باید با همین شرایط بسوزد و بسازد. اما این سوختن و ساختن به قیمت شکسته‌تر شدن محمد تمام شده است. حالا تارهای سفید خیلی بیشتر از قبل بین مو، ریش و سبیلش چولان می دهند. او اطراف کانکس را با پتو، تکه های چوب، پارچه های مندرس و رنگ و رو رفته مهار کرده است تا بلکه کمی از نفوذ سرما جلوگیری کند، اما این کار تأثیر چندانی در کاهش سرما نداشته و بیشتر کانکس را شبیه خانه های حلبی آباد کرده است. زندگی کانکسی، او را در تنگنا قرار داده است؛ تا آنجا که از گوشه و کنار مقداری آجر فراهم کرده و چند دیوار ناتمام را بالا برده، به امید اینکه سقفی هم روی آن بزند و قدری از این وضعیت فاصله بگیرد؛ شاید سرمای استخوان سوز زمستان اندکی تحمل پذیر شود. فضای بیرون و داخل کانکس، دل آدم را آشوب می کند، اما این دل آشوبی، زندگی هرروزه محمد است. به قول خودش، هیچ کس حاضر نیست در اینجا زندگی کند. اما باز هم خدا را شکر می کند که سقفی آهنی بالای سرش هست و مانند خیلی از کارتن خواب ها مجبور نیست در بیابان بخوابد. بلوز بافتنی اش کاملاً از قواره افتاده و شلوار رنگی و نامرتبش را به زور کمربند روی کمرش نگه داشته است. از ۱۰ ماه قبل تا امروز انگار صورتش هم استخوانی تر شده است.

به هم ریختگی دور تادور کانکس را که ناپایده یگیری، برای رسیدن به در کانکس باید از کیسه ها و سنگ های ریز و درشتی که محمد



عکس: احمد حسینی | شهرآر

۲۸ از دیبهشت امسال بود که در گزارشی به مشکلات معدن «آق دربند» شهرستان سرخس به عنوان بزرگ ترین و قدیمی ترین معدن کشور پرداختیم و قصه کارگرانی را روایت کردیم که تاخیر در پرداخت دستمزدها، روزگارشان را ناخوش کرده است.

از کارگرانی نوشتیم که نزدیک به یک سال حقوق و دستمزد نگرفته اند و چیزی از عیدی شان هم دریافت نکرده اند، اما همچنان مشغول به کار هستند، به امید روزی که وضعیت بهتر شود، از کارگرانی که با دیسک کمر و بیماری های تنفسی و کلی بیماری دیگر دست به گریبان اند، اما مجبورند هر روز هزاران پله را برای استخراج زغال سنگ طی کنند و به عمق ۲۴۰ متری زمین بروند و برگردند. بعد از گذشت چندماه، این بار یکی از کارگران معدن در گفت و گو با خبرنگار ما درباره آخرین وضعیت پرداخت حقوق و معوقات کارگران می گوید: بعد از اعتراض به پرداخت نشدن ۹ ماه حقوق معوق و بی توجهی مسئولان به ایمنی محیط کار و برگزاری جلسه در فرمانداری مشهد، پیگیری های ما همچنان ادامه داشته است. وی با اشاره به بی توجهی مسئولان به آغا فصل بازگشایی مدارس، بیان می کند: وعده داده بودند برای شروع مدارس حقوق ۲ ماه را واریز کنند، اما در این مدت چون به هیچ کدام از قول هایشان وفا نکردند، کارگران در تجمعی اعتراضی صحت هایشان را اعلام کردند. حقوق معوق کارگران، ۵ ماه از سال ۹۶ و بخشی از سال ۹۳ به اضافه چندماه از دستمزد امسال است. نماینده کارگران درباره پرداخت وام می افزاید: در اردیبهشت امسال و پس از روز کارگر قول دادند برای هر نفر ۳۰ میلیون تومان وام بگیرند و طلب کارگران را از آن بپردازند و باقی مانده مبلغ را به عنوان سرمایه در اختیار شرکت بگذارند تا

خرید زغال و وسایل لازم عملی شود، اما هنوز این وعده ها عملی نشده است. او می گوید: تنها اتفاق جدیدی که تاکنون افتاده، پرداخت حقوق تیرماه است.

● پرداخت معوقات کارگران تا قبل از پایان سال رئیس هیئت مدیره معادن خاور نیز که به تازگی به این سمت انتخاب شده است، با اشاره به تغییری که در چپش سهام داران اتفاق افتاده

آن قدر سرد می شود که انگار داخل یخچال هستم.» سرمای آن ایام دست و پاهای محمد را کرخت می کرد. نامالیمات زندگی محمد آن قدر زیاد بوده که بعد از دوبار از دواج ناموفق و تجربه زندان به خاطر مهریه، دار و ندارش به باد رفت؛ هم اندک مالی که داشت و هم تخته غرورش...

یک کانکس درب و داغان، شد تمام دار و ندار او؛ کانکسی که تقریباً به اندازه یک جای خواب زندگی محمد نوشتیم. او که شب را در کانکس سردی در انتهای بولوار طبرسی شمالی به صبح می رساند؛ می گفت «شب ها، داخل کانکس

گذر سگ های ولگرد هم به حوالی کانکس محمد می افتد. سرویس بهداشتی هم که در کار نیست. محمد، گوشه ای بیرون از کانکس را به عنوان سرویس بهداشتی در نظر گرفته و دور آن را با چوب و پارچه ها پوشانده است. اینجا دزدی کردند. پیک نیکم را بردند. باور کن با پول کارگری، آن را خریده بودم. شب هایی که سرد بود، آن را روشن می کردم تا کمی گرم شوم. و گر نه خورد و خوراک درست و حسابی ندارم. دزدی از من که ندار هستم، انصاف نبود، اما خانه که نداشته باشی، دزدها به کانکسی هم که چفت و بست ندارد، رحم نمی کنند و از آن سرقت می کنند. به روم، سرد است. آن قدر سرد است چاره ای ندارم. بیشتر شب ها زیر لحاف هم که می روم، سرد است. آن قدر سرد است که هیچ وقت نمی توانم همین چند تکه لباس را از تنم بیرون بیاورم. لباس دیگری هم ندارم.

یک سال بدون امداد

روایت شهرآرا از زندگی یک بی خانمان که با گذشت ۱۰ ماه از وعده مسئولان همچنان نیازمند حمایت خیران است

یک هفته بررسی کنند و به نتیجه برساند. حالا ۱۰ ماه از آن ماجرا می گذرد، اما هنوز آن کانکس در یکی از زمین های طبرسی شمالی باقی است، هنوز هم حال و روز محمد فرقی نکرده و هنوز هم او بی پناه است. تمام دارایی این روز های او همان یک کانکس چندمتری با سقف و دیوار های فلزی است و باد همچنان از لایه لای همین کانکس به داخل می وزد؛ جایی که محمد فقط می تواند پاهایش را در آن دراز کند. کانکس او روی همان زمینی است که وقتی قد و بالای رعنا و زور بازویی داشت، با

دیگر خبری از موتور زهوار در رفته اش هم نیست و محمد به جای آن، هر روز با گاری آهنی، ضایعات جمع می کند، کاری که به قول خودش «دست در آن زیاد شده و مانند قبل نمی توان کاسبی کرد.» بگذریم که یکی دوباری، ضایعاتش را ماشین های بازیافت شهرداری از او گرفته اند. نسان نیم خورده ای داخل پلاستیک دارد و یک گوجه که همسایه، شب پیش به او داده؛ این ها تمام خوراکی های اوست و تازه دیشب را هم گرسنه خوابیده تا همین مقدار اندک غذا را هم تمام نکرده باشد. به قول خودش در این سرما، پلک روی پلک نمی آید.

محمد خیلی آرزوهای دور و درازی ندارد؛ «همین که بتوانم سرپناهی داشته باشم تا در زمستان از سرما نلرزم و در تابستان در دل این کانکس از گرما آذیت نشوم، برایم کافی است.» اوج آرزوی او سرپناهی است تا به گفته خودش

گاری اسبی روی آن، آجر و زباله جابه جایی کرد و صاحب کار به ازای مزد، زمین را به محمد داد. او برای پرداخت مهریه زنش، همین زمین را فروخت اما مالک جدید زمین این روزها به او رحم نکرده و اجازه داده همچنان در این زمین بماند و از فردای اوهم کسی خبر ندارد!

او هفت سال پیش تصادف کرده و پای چپش از همان زمان دچار مشکل شده است. او هنوز هم مثل چند ماه قبل خیلی نمی تواند روی پایش بایستد. آرزوی محال او که فقط یک جای گرم بود، هنوز هم محال مانده است.

از شر «دله دزدها» و معنادانی که برای جور کردن یک وعده مصرف موادشان، از کانکس او سرقت می کنند در امان باشند. می گوید: دوست دارم دندان هایی سالم داشته باشم و وضعیت ظاهری ام حداقل مقداری از وضع فعلی بهتر باشد. ای کاش یک کار نیمه وقت با کمترین میزان حقوق می داشتم تا مجبور نباشم دست هایم را در زباله های کثیف فرو ببرم و آلودگی در جسم ماندگار شود.

حرف های محمد پر است از رنج هایی که در این سال ها کشیده و دیده «نه دزدی می کنم و نه معتام، ای کاش خیران گوشه چشمی هم به من می داشتند یا نهادهایی مثل کمیته امداد وام خوداشتغالی در اختیارم قرار می داد تا بتوانم کاری درست و پا کنم، یا لاقل من را به جایی معرفی می کردند تا نگهبان باشم و اموراتم بگذرد.»

● مرد تنهای شهر، معطل ضامن!

۲۶ دی ماه سال گذشته و هم زمان با انتشار گزارش «مرد تنهای شهر» (محمد طاهری)، مسئولان استانی کمیته امداد، وعده یک هفته ای برای رفع مشکل او دادند. همچنین اعلام شد که به صورت قرض الحسنه به او تسهیلاتی داده شود تا بتواند شغلی راه بیندازد و در صورتی که از کار افتادگی این فرد در کمیسیون پزشکی تأیید شد، مستمری بگیر کمیته امداد شود. در آن وعده ها از سید کالا هم سخن به میان آمده بود؛ سیدی که حق هر شهروند نیازمند است. حالا پس از گذشت یک سال از این ماجرا، مدیر روابط عمومی اداره کل کمیته امداد استان می گوید: با توجه به اینکه این فرد از کار افتادگی نداشت، پیشنهاد وام برای اشتغال و رهن مسکن به او داده شده بود، اما به دلیل نداشتن ضامن، وام به او تعلق نگرفت. سید غلامرضا موسویان به شهرآرا می گوید: این فرد مددجوی ما نیست؛ بنابراین واجد شرایط کمک های کمیته امداد نیز نمی شود. برای دریافت تسهیلات باید او را به بانک معرفی کنیم و بانک نیز ضامن می خواهد. وی ادامه می دهد: البته مشکل ضامن تنها به این فرد مربوط نمی شود؛ بسیاری از خانواده های مددجو این مشکل را دارند. در صورتی که برای این فرد نیز خیری حاضر به ضمانت شود، می توان او را برای دریافت وام به بانک معرفی کرد. حالا محمد منتظر است تا دست مهربانی خیران روزگار او را نیز دگرگون کند، شاید آسمان زندگی او نیز آبی تر شود. ●



دریچه

پیگیری شهرآرا درباره پرداخت حقوق معوق کارگران و مشکلات تولید در معدن زغال سنگ آق دربند

وعده های جدید برای معدن قدیمی



عکس: احمد حسینی | شهرآر

پیدا خواهد کرد.

مهدی جلالی درباره مطالبات کارگران معدن زغال سنگ آق دربند وعده هایی را مطرح کرده است و می گوید: قرار است تا قبل از پایان سال معوقات پرداخت شود و به مرور معدنی را که تنها با یک پنجم ظرفیت اصلی اش تولید می کند در زمینه تولید معدنی و کک به ظرفیت کامل برسانیم و خود کفا کنیم.

وی با اشاره به اقداماتی که در گذشته انجام شده

است، اظهار می کند: پیش از آخرین اعتراض جمعی کارگران، از سهام داران شرکت دعوت شده بود تا برای افزایش سرمایه مشارکت کنند، اما همسکاری نکردند و تسهیلات ارزان قیمت دولتی به این شرکت تعلق نگرفت. از همین رو امکان نوسازی تجهیزات به وجود نیامد تا بتوانند از راه درآمد معدن، مشکلات کارگری را برطرف کنند.

او با بیان اینکه مطالبات کارگران متعلق به

دوره های مدیریتی گذشته این شرکت است، می افزاید: در یک سال گذشته که جدی تر وارد بحث شدیم تا مشکلات را کاهش دهیم، مطالبات کارگران به نصف کاهش پیدا کرده است؛ یعنی از حدود ۱۶ ماه به ۹ ماه رسیده است.

از دیگر گلایه های کارگران که در آخرین اعتراض گروهی شان مطرح شده بود، تاخیر در پرداخت حقوق جاری بود. رئیس هیئت مدیره معادن خاور در این رابطه می گوید: حقوق جاری کارگران با ۵٫۴ روز تاخیر پرداخت می شود و هیچ مشکلی نیست.

● سرمایه ها به موقع تزریق نشده است جلالی با بیان اینکه معدن زغال سنگ آق دربند نیاز به افزایش سرمایه و بهسازی و نوسازی دارد، بیان می کند: آستان قدس مایل به پرداخت پول به مدیرانی که بدهی ها را افزایش می دادند نبود و حمایت های مالی اش از معدن را مشروط به داشتن اختیارات مدیریتی می دانست. حال که ۲ نماینده از آستان قدس در هیئت مدیره شرکت هستند، اوضاع فرق کرده است و علاوه بر پرداخت حقوق کارگران، مشکلاتی که از لحاظ امنیت در محیط کار دارند نیز برطرف خواهد شد. او ادامه می دهد: مسئولان به دلایل مختلف در گذشته نتوانستند امور مربوط به معدن را به موقع انجام دهند و به رکود در این واحد تولیدی ای رسیده ایم. مدیرعامل سابق به علت بیماری ای که داشت، نمی توانست تمام وقت انرژی بگذارد و حواشی این معدن زیاد شد، اما امیدواریم با تغییراتی که در شرکت به وجود آمده است، مشکلات رفع شود.

جلالی با اشاره به گفته های کارگران درباره دریافت وام، می گوید: این اقدام مشروط به دریافت تسهیلات ارزان قیمت است تا با بخشی از آن، دیون کارگران را پرداخت و با بخش دیگری به راه اندازی همه توان معدن اقدام کنیم. ●

شهرآر

روزنامه شهرومیدورنگی

فشنه ۲۹ آبان ۱۳۹۸ ۲۳ شهریور ۱۳۹۸ شماره ۲۳۷۲

SHAPARANEWS.IR

نقد و تحلیلهای تخصصی

مهدی جلالی رئیس هیئت مدیره معادن خاور: آستان قدس به پرداخت پول به مدیرانی که بدهی ها را افزایش می دادند مایل نبود و حمایت های مالی اش از معدن را مشروط در هیئت مدیره شرکت هستند، اوضاع فرق کرده است